



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۲/۰۶/۲۰۲۱

سیدهاشم سدید

## چرا طالب عنصری نامطلوب پنداشته می شود؟

بسیاری از خوانندگان گرامی این سطور وقتی عنصری "نامطلوب" را در کنار نام طالب می بینند، شاید با تعجب و کمی هم با تندخویی بپرسند: "طالب و عنصر نامطلوب؟! حتماً آفتاب سوزان چند روز گذشته آلمان به سرت زده و عقلت را از دست داده ای! برو اندیوال علاجت را کن، تا در آینده چنین یاوه هایی را از تو نشنویم. یاوه از تو و دیگران زیاد شنیده ایم، اما این چنین یاوه ای؛ پناه به خدا! کسی را که از هیچ گونه خیانت و جنایتی علیه مردم و کشور آبابی خود دریغ نکرده و نمی کند، تنها نامطلوب خواندن، فقط از کسی شنیده می شود که یا عقلش را از دست داده باشد، یا به خلل دماغ گرفتار شده باشد و فرقی میان خوب بد را نکند و یا اینکه دارای روح بلند باشد؛ که در تو اثری از آن دیده نمی شود. کریه و منزجر کننده و منفور و سخیف و شنیع، احتمالاً بهترین صفاتی است که می توان و می باید به طالب نسبت داد و..."

این اعتراض، بی گمان بجا و بر حق است، اما فراموش نکنیم که تا نامطلوب خوانده شدن مراحل وجود دارند، که بعد از ارزیابی اعمال یک انسان طی آن مراحل، در صورتی که آن انسان واقعاً دارای صفات زشتی باشد و اعمال ننگین و شنیعی انجام داده باشد، صفت نامطلوب به وی اطلاق می گردد. اول دلزدگی و بیزاری و نفرت و کراهت پیدا می شود، بعد نامطلوب بودن و قبل از هر دو، اعمال ناشایست و ناپسند و نامستحسن و ننگین و قبیح. نگارنده این متن به دو دلیل عمده، از دلایل خرد و ریزه برای جلوگیری از اطاله کلام اجتناب می گردد، طالب را عنصر نامطلوب برای اداره و سیاست کشور می داند:

-1-

الف: آغشته بودن دستان طالب به خون صد ها هزار زن و مرد و کودک و پیر و جوانی بی گناه این کشور. برای این جنایات طالب باید به محکمه کشانیده شود و تقاص جرایم خود را بدهد. جای طالب زندان است، نه ریاست و وزارت و صدارت؛ یا رهبری یک کشور.

ب: ضدیت با علم و هنر و فرهنگ و آزادی و کثرت گرایی.

ج: زن ستیزی بی نهایت مضحک و افراط گرایانه اش.

د: و اینکه در پی برآورده ساختن نارواترین مقاصد پاکستان و خیانت به افغان ها و افغانستان است.

2- به دلایلی داشتن تفکرات مطلق گرایانه در رابطه با سیاست، قدرت و اداره کشور، که به هیچ وجه منطقی و معقول و به مصلحت عمومی و مصلحت کشور نیست .

مطلق گرایی، آنچه طالب بدان باور دارد و می خواهد در صورت پیروزی در کشور آن را نصب العین خویش قرار بدهد، هیچ زمانی نه انسانی بوده، نه قابل قبول مردم و نه به مصلحت کشور است .

طالب بدین باور است که هر تعارضی در کشور تنها و تنها در روشنی تعاریف دینی و ارشادات یگانه انسان، که همان رهبر گروه طالبان است، باید حل و فصل گردد و در نهایت همه باید دارای یک فکر و اندیشه و عقیده باشند؛ همان فکر و اندیشه ای را که رهبر داراست و پیشنهاد می کند و همان باوری که رهبر بدان ایمان دارد، باید به فکر و اندیشه و ایمان مردم بدیل گردد.

هر حقیقتی در سایه ای باور های رهبر کشف می شود و اعتبار عامه می یابد. همه یک رنگ و یک صدا؛ تنها همان صدا و همان رنگ رهبر. جوامعی که بیشتر از یک رنگ و یک صد و یک حزب و یک رهبر دارند، منحط ترین جوامعی هستند .

وجود دسته ها و گروه ها و احزاب و آزادی بیان و وجود رسانه های مختلف و متعدد و اعتقاد به کثرت گرایی و تفکیک قوا و تقسیم قدرت و از این قبیل افکار، عقاید گمراه کننده و تلاش هایی هستند که جامعه را متشتت و در

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

نهایت متلاشی می کنند. این چنین افکار و عقاید و اندیشه ها تنها و تنها متعلق به اقوام و ملت های ضاله است. نظام طالبانی از این گونه صفات مذموم مبرا و بسیار دور است.

بنابر این بهترین کار برای جلوگیری از تشتت و پراکندگی در میان مردم و متلاشی نشدن حاکمیت مقدر و واجب طالبانی همان است، که فضایی در کشور ایجاد شود که هیچ فرد یا دسته و گروه و حزبی غیر از طالب اجازه دست یافتن به سیستم سیاسی، قدرت و اداری کشور را پیدا نکند.

آزادی، تحت هر نام و به هر شکل، به سود مردم و دین و کشور نیست؛ لهذا بهتر است جلو این مفکوره خانه برانداز و گمراه کننده گرفته شود.

تعارضاتی، اگر وجود داشته باشد، باید با خشونت دولتی و شلاق و زندان و تبعید و مرشد خواندن و تکفیر و سنگسار کردن و به دار آویختن و گردن زدن حل گردد، نه با گفت و گو و حق دادن به دیگران، حتی اگر دیگران حق به جانب باشند.

چنین اندیشه ای ملت ها را به جهنم سوق می دهد، نه به بهشت؛ خواه بهشت بر روی زمین باشد یا در آن جا های دیگر!

آنچه مطلوب یا نامطلوب، و یا باارزش و بی ارزش بودن انسان ها و گروه های عقیدتی و سیاسی را معین می کند، تجلی کار هایی است که این ها می کنند.

آنکه به خاطر منافع کشور و آرامی و رفاه مردمش در برابر دشمن می ایستد، یکی و یک سان با کسانی نیست که در خدمت دیگران قرار دارند و به جای آباد ساختن ملک و وطن و دفاع از مردم خویش به ویران کردن خاک و کشتن هموطنان خود می پردازند؛ یا به جای باور به آزادی های انسانی - سیاسی و احترام به حق حاکمیت مردم، خواسته های بر حق مردم را نادیده می گیرند و آن ها را با درنده خویی و خشونت بی مانندی سرکوب می کنند.

طالب از جمه افرادی است که در کته گوری دوم می آید. بناءً طالب، به خصوص در عصر حاضر، در عصری که همه کار ها به مصلحت کشور و عموم مردم و به تشریک مساعی عموم مردم پیش برده می شوند، عنصری نیست که کسی مشتاق و خواهان آن باشد - یعنی بتوان وی را مطلوب خواند. پس بهترین و کوتاه ترین سخن در خصوص طالب چیست؟ همان سخن عامیانه مردم: "رنگشه گم کو!"